

سبک زندگی تطبیق‌پذیر و تجدیدپذیر: کاوشی بر بسترهای اجتماعی فرهنگی،

الگوها و فضاهای هویت بخش سبک زندگی یزدی‌ها در گذشته

منوچهر علی نژاد^۱، ابوالفضل مرشدی^۲

چکیده

سبک زندگی در هر جامعه معرف و ویژگی اجتماعی و فرهنگی آن جامعه بوده که در شیوه نگرش، اندیشه، اعمال و رفتار اجتماعی نمود پیدا می‌کند. این سبک در پیوند با مؤلفه‌های فرهنگی به بخشی از هویت جمعی و پایدار در یک جامعه تبدیل و تثبیت می‌شود. هدف این پژوهش کاوشی بر بسترهای اجتماعی فرهنگی، الگوها و فضاهای هویت بخش سبک زندگی یزدی‌ها در گذشته است. روش مورد استفاده در این تحقیق روش مردم‌نگاری است که به شیوه آمیک و اتیک مورد تحلیل قرار گرفته است. جامعه هدف این پژوهش شهر یزد و نمونه هدف تحقیق حدود پانزده نفر از یزدشناسان و کارشناسان فرهنگی بوده که به شیوه نمونه‌گیری در دسترس و هدفمند انتخاب شده‌اند. نتایج در این پژوهش نشان می‌دهد که سبک زندگی یزدی‌ها در گذشته از شرایط اقلیمی و کویری یزد، وجود امنیت نسبی، محدودیت منابع، روحیه رواداری، فرهنگ دین‌داری و عزاداری و سخت‌کوشی یزدی‌ها تأثیر پذیرفته و تاب‌آور شده است. مقوله اصلی در این پژوهش «سبک زندگی تطبیق‌پذیر و تجدیدپذیر» بوده است که دلالت بر اصل سازگاری و اصل تطبیق اراده محور یزدی‌ها با وجود همه محدودیت با شرایط محیطی و ایجاد سبک زندگی خاص بوده است. همچنین سبک زندگی یزدی‌ها در گذشته از گروه‌های مرجع روحانیت، معتمدین محلی و بازاری و والدین تأثیر پذیرفته که در فضاهای هویت بخش دینی، اقتصادی و اجتماعی شکل گرفته است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۲۴

۱. استادیار دانشکده علوم اجتماعی، بخش تعاون و رفاه اجتماعی دانشگاه یزد (نویسنده مسئول)

m.alinejad@yazd.ac.ir

۲. استادیار دانشکده علوم اجتماعی، بخش مردم‌شناسی دانشگاه یزد

a.morshedi@yazd.ac.ir



واژگان کلیدی: سبک زندگی تجدیدپذیر، بسترها، گروه‌های مرجع، فضاهای اجتماعی یزد

بیان مسئله

هر جامعه‌ای ویژگی‌هایی دارد که معرف هویت آن جامعه است و مرزهای فرهنگی، اجتماعی و جغرافیایی آن را از بقیه جدا می‌کند. ازجمله این ویژگی‌ها می‌توان به ضرورت داشتن «جمعیت»، «قلمروی جغرافیایی سرزمینی» و «رابطه دولت و ملت» با «سبک زندگی اجتماعی و فرهنگی» خاص اشاره کرد. این ویژگی‌ها باعث تمایز یک جامعه از سایر جوامع و هویت بخشی برای آن می‌شود؛ بنابراین اصل مرزبندی جغرافیایی و فرهنگی، با وجود گسترش مرزهای هویت بخش مجازی و موبیتال‌شدگی فرهنگی، گریزناپذیر است و هیچ کشور یا جامعه‌ای را نمی‌توان پیدا کرد که تصویری ذهنی و هویت بخش از خود و کیستی خود نداشته باشد. هر جامعه‌ای، با استناد به برخی ارزش‌ها، هنجارها و قواعد اجتماعی و فرهنگی تمایزبخش، سعی می‌کند تا تعریفی از خود و هویت خود داشته و درعین حال از دیگران متمایز باشد و بر این اساس ویژگی‌های تمایزبخش خود را برجسته و تلاش می‌کند تا خود را از این طریق به دیگران بشناساند.

مفهوم سبک زندگی از ترکیب دو کلمه «LIFE» و «Style» تشکیل شده است. کلمه سبک به معنای شیوه‌های متمایز در انجام دادن کارها، شیوه یا آداب رفتاری متمایز است. ترکیب «سبک زندگی» در لغت، به معنای چگونگی جریان حیات و شیوه زندگی انسان‌ها تعریف شده است (بیرو، ۱۳۶۷: ۲۰۶). سبک زندگی در اصطلاح، شیوه مواجهه با مهم‌ترین وظایف زندگی است. وبلن در کتاب *تئوری طبقه مرفه*، از مفهوم شیوه زندگی برای بیان تمایز طبقه مرفه و نمودی از جایگاه طبقاتی آنها، استفاده کرده است (وبلن، ۱۸۹۹: ۹۵). برای نخستین بار واژه «سبک زندگی» برای اشاره به شخصیت فرد که در کودکی شکل گرفته و در ادامه حیات، زندگی او را کنترل می‌کند، در آثار آلفرد آدلر محوریت یافت (آدلر، ۱۹۵۲: ۹۸). امروزه سبک زندگی، با کل زندگی مرتبط است و چهارچوب کلی زندگی را مشخص ساخته و به لحاظ مفهوم و کاربرد، شئون گوناگون زندگی انسان‌ها را در بر می‌گیرد. سبک زندگی مجموعه ترجیح‌ها و انتخاب‌هایی الگومند است که افراد یا گروه‌های اجتماعی از آنها به عنوان



سبک زندگی تطبیق‌پذیر و تجدیدپذیر: کاوشی بر بسترهای ...

وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف خود از قبیل بیان هویت، نشان دادن تعلق و تمایز استفاده می‌کنند (مهدی‌زاده، ۱۳۹۷: ۹۶).

بر اساس واقعیت‌های تجربی در حیات انسانی و گستردگی آن، می‌توان به جای سخن از سبک زندگی به معنای شیوه زندگی خاص یک فرد، از سبک‌های زندگی گروهی یا اجتماعی سخن گفت؛ سبک‌هایی که با یک جامعه، فرهنگ و تمدن مرتبط هستند و تصویری از شیوه زیستن جمعی آن را نشان می‌دهند؛ بنابراین سبک‌های زندگی مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتار، حالت‌ها و سلیقه‌ها را در برمی‌گیرد که در یک جامعه به صورت باورداشت‌ها، اعمال و رفتار جمعی بروز پیدا می‌کند؛ هرچند پرداختن به سبک زندگی اغلب مربوط به دوره اخیر بوده، اما هیچ جامعه‌ای بدون سبک زندگی وجود ندارد. تلقی رایج از سبک زندگی دست‌کم شامل دو برداشت بوده که بر اساس آن، نخست سبک زندگی معرف ثروت و موقعیت اجتماعی افراد و شاخصی برای تعیین طبقه اجتماعی است و در روایت دوم، سبک زندگی شکل اجتماعی نوینی تلقی می‌شود که فقط در متن تغییرات فرهنگی مدرنیته و رشد فرهنگ مصرف‌گرایی معنا می‌یابد (فاضلی، ۱۳۸۰).

سبک زندگی و ابعاد فرهنگی و اجتماعی آن در هر جامعه‌ای، همواره به عنوان منبعی برای شناسایی و درونی کردن شیوه‌های عمل بهنجار، تفکر سازمان‌یافته و منطقی و سبک زندگی متناسب با شأن انسانی افراد جامعه به حساب می‌آید؛ از این رو اگر جامعه‌ای از فرهنگی متعالی و پیشرو برخوردار باشد، می‌تواند در مسیر رشد و تعالی قدم بردارد و موفقیت در همه ابعاد توسعه را نیز تضمین کند. یکی از مهم‌ترین عناصری که می‌تواند زنده بودن و اثرگذاری یک فرهنگ را در عصر جهانی شدن و چندفرهنگی حفظ کند، خودآگاهی اعضای جامعه نسبت به این فرهنگ و عمل کردن بر اساس این خودآگاهی است (سن، ۱۳۸۸)؛ به عبارت دیگر فرهنگ یک جامعه هیچ نمود و تجلی‌ای به صورت عینی نخواهد داشت، مگر آنکه اعضای جامعه بر اساس آن فرهنگ عمل کنند و خط‌مشی‌ای هماهنگ با آن برای تنظیم زندگی اجتماعی خود برگزینند و از این طریق در مسیر رشد و توسعه آن نیز گام بردارند. یکی از وجوه بسیار مهم فرهنگ در هر جامعه‌ای، سبک زندگی آن جامعه است که به طور ویژه مدنظر ماست.



در ارتباط با مقوله سبک زندگی اجتماعی و فرهنگی می‌توان از تنوع «حوزه‌های جغرافیایی فرهنگی» در مناطق مختلف جهان سخن گفت (بیستس، ۱۳۹۰؛ والرش‌تاین، ۱۳۷۷)؛ در واقع مردمان هر منطقه بسته به شرایط اقلیمی، تاریخی و فرهنگی دینی آن منطقه، در برخی از خصلت‌ها و سبک‌های زندگی برجستگی‌هایی دارند؛ تا جایی که این ویژگی‌ها می‌توانند به مزیت نسبی آنها تبدیل شود؛ بر این اساس ضروری است که علاوه بر توجه به مزیت‌های فراگیر هر منطقه به مزیت‌های نسبی فرهنگی و شیوه‌های زیست جمعی هر جامعه و منطقه نیز توجه کافی صورت گیرد. بدیهی است در ایران که کشوری با اقلیم‌ها و فرهنگ‌ها و قومیت‌های مختلف است، می‌توان حوزه‌های جغرافیایی فرهنگی مختلفی را از هم تشخیص داد. یکی از این حوزه‌های جغرافیایی فرهنگی مهم، حوزه فلات مرکزی ایران است که استان یزد در آن شاخص و برجسته است. به نظر می‌رسد شرایط اقلیمی، تاریخی و فرهنگی دینی یزد سبب شده که برخی از خصلت‌ها و سبک‌های زندگی در میان مردمان این خطه از کشور برجسته‌تر شود. در این میان، در کنار برخی خصلت‌ها و خلیقات احتمالاً منفی، می‌توان خصلت‌هایی مانند دین‌داری، سخت‌کوشی، قابل اعتماد بودن و مقصد بودن را به عنوان مزیت‌های نسبی فرهنگی این مردمان نام برد؛ خصلت‌هایی که با محلات مسکونی در شهر، فضا‌های مذهبی و دینی، بازار و گروه‌های مرجعی چون روحانیت، بازاریان و معتمدین محلی مرتبط است.

منظور از گذشته در این نوشتار دوره تاریخی و زمانی خاص مثل دوره تاریخی صفویه، قاجاریه یا پهلوی و حتی اوایل دوره اسلامی نیست، بلکه بیشتر وجه پدیدارشناختی و نقطه عطفی آن مدنظر است. منظور از وجه پدیدارشناختی به قول شوترز وجه تاریخ معاصر بوده است؛ اینکه وقتی از گذشته صحبت می‌شود، افراد چه زمانی را معیار قرار می‌دهند یا حافظه تاریخی آنها تا کجا یاری می‌رساند و تا کجا شواهد و مستندات می‌توانند بیاورند، معیار درک و فهم از گذشته است. به نظر می‌رسد بر اساس مصاحبه با مطلعین و یزدشناسان و به قول معروف «تا جایی حافظه یاری می‌رساند» گذشته در این نوشتار از سال ۱۳۰۰ به بعد و اوایل حکومت پهلوی پدر تا اوایل دوره اسلامی مدنظر بوده و از سوی دیگر در بُعد دوم منظور



سبک زندگی تطبیق‌پذیر و تجدیدپذیر: کاوشی بر بسترهای ...

از گذشته نقطه عطف ورود مدرنیته و مداخله‌های دولت در یزد مطرح است که بازم از اوایل دوره پهلوی و تا اواخر دهه هفتاد را شامل می‌شود.

در این نوشتار هدف آن است که با بهره‌گیری از مباحث نظری حوزه جامعه‌شناسی، به مطالعه الگوهای مرجع، فضاها و بسترهای فرهنگی اجتماعی هویت بخش سبک زندگی یزدی‌ها در گذشته بپردازیم. با مروری بر مطالعات پیشین و مطالعات اسنادی یزدشناسان در مورد فرهنگ و سبک زندگی یزدی‌ها می‌توان به دو نکته اذعان کرد: نخست، یزدی‌ها مزیت‌های نسبی فرهنگی و سبک رفتاری خاص خود را دارند و دوم، با بازشناسی این سبک زندگی که در بردارنده عناصری متعدد فرهنگی و ارزشی است، می‌توان تا حد امکان به الگوبرداری و ترمیم رفتارهای کنونی مبادرت کرد. بر این اساس هدف اصلی در این پژوهش مطالعه سبک زندگی یزدی‌ها در گذشته با محوریت نقش فضاهای هویت‌ساز، بسترهای تأثیرگذار و گروه‌های مرجع مؤثر است. اینکه سبک زندگی یزدی‌ها در گذشته به چه صورت بوده است؟ بسترهای مؤثر در بروز این سبک‌ها کدام‌اند؟ و فضاها و گروه‌های مرجع مؤثر در این سبک کدام‌اند؟

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش دربرگیرنده مجموعه مطالعات انجام‌شده در ارتباط با موضوع پژوهش است که به صورت داخلی و خارجی در قالب تحقیق‌های مرتبط با سبک زندگی انجام شده است.

پیشینه داخلی

خدادوست، عزیزخانی و فتحی (۱۴۰۱) تحقیقی با عنوان «واکاوی سبک زندگی مصرفی جوانان و بزرگ‌سالان متأهل در شهرهای اردبیل و پارس‌آباد برحسب تجربه آنها از ارتباطات رسانه‌ای از طریق رویکرد داده‌بنیاد» انجام دادند که نتایج نشان می‌دهد مضامین اصلی سبک زندگی مصرفی جوانان و بزرگ‌سالان اردبیل شامل «سبک زندگی انفعالی، سبک زندگی ارتباطی و سبک زندگی ابداعی» است که از عوامل زمینه‌ای و علی مردم اردبیل تأثیر می‌پذیرند.



قنبری، کورنگ بهشتی و رشیدپور (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «فهم عوامل زمینه ساز فرهنگی در سبک زندگی ایرانی. اسلامی» به مطالعه فهم عوامل زمینه ساز فرهنگی در سبک زندگی ایرانی اسلامی پرداخته‌اند. این پژوهش با استفاده از روش کیفی، تحلیل تماتیک و با انجام مصاحبه طراحی شد. روش شناسی این پژوهش از نظر روش اجرای کار بر اساس روش کیفی انجام شده است. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش شامل هفده نفر از خبرگان و کارشناسان متخصص در حوزه‌های مدیریت و برنامه ریزی امور فرهنگی و علوم ارتباطات می‌شد که اغلب از استان اصفهان بوده‌اند. همچنین از نمونه‌گیری هدفمند و به طور هم‌زمان از روش گلوله برفی استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد، هشت مضمون اصلی دارایی‌های فرهنگی؛ عوامل تعاملی؛ مصادیق خانواده‌محور؛ مصادیق دین‌محور؛ عوامل محیطی؛ عوامل فردی؛ مصادیق فرهنگی و مصادیق اخلاق اجتماعی به عنوان عوامل زمینه ساز فرهنگی مؤثر در سبک زندگی ایرانی اسلامی به دست آمدند.

مرشدی و علی‌نژاد (۱۴۰۰)، در پژوهش با عنوان «سازگاری فعالانه: کندوکاوی بر اخلاق اقتصادی یزدی‌ها» به بخشی از سبک زندگی و فرهنگ اقتصادی یزدی‌ها اشاره کرده و کوشیده‌اند تا با تحلیل بنیادی، اخلاق اقتصادی یزدی‌ها را در سه بعد نگرشی، رفتاری و نهادی بررسی کنند. به لحاظ روشی این پژوهش، به شیوه اسنادی، پیمایشی (کمی) و کیفی انجام شده است. شیوه نمونه‌گیری به صورت نمونه‌گیری هدفمند بوده و پژوهشگران با ۲۵ نفر از یزدشناسان خبره مصاحبه کرده‌اند. همچنین در بخش کمی با شیوه نمونه‌گیری هدفمند با حجم نمونه سیصد نفر از کسبه و گردشگران غیریزدی مقیم یزد پرسش‌نامه تکمیل شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اخلاق اقتصادی یزدی‌ها در سه بعد نگرشی، رفتاری و نهادی از هم قابل تمایز هست. نتایج یافته‌های پیمایش نشان می‌دهد پاسخ‌گویان ارزیابی مثبتی از اخلاق اقتصادی یزدی‌ها دارند؛ طوری که میانگین نمره‌هایی که گردشگران و کسبه به اخلاق اقتصادی یزدی‌ها داده‌اند، به ترتیب ۳/۴۷ و ۲/۹۳ است. در بعد رفتاری، رفتار عامه مردم و تجار از هم تفکیک شده است و در آن مقوله اصلی اخلاق اقتصادی رفتار عامه مردم با ویژگی‌هایی چون «خودساخته بودن» شناخته شده و در بخش تجار و صنعتگران یزدی مقوله اصلی «قدرت ترکیب‌گری» بوده است. در بعد نهادی به مقوله‌های «معماری



سبک زندگی تطبیق‌پذیر و تجدیدپذیر: کاوشی بر بسترهای ...

هم‌زیست با طبیعت»، «وجود نهاد فراگیر وقف و خیریه»، «اقتصاد تجاری و صنعت تبدیلی»، «خصلت مهاجرفرستی و مهاجرپذیری» و «فضای هم‌زیستی با اقلیت‌های دینی» می‌توان اشاره کرد. درنهایت «میدان علی» مؤثر در ایجاد اخلاق اقتصادی یزدی‌ها ترسیم شده است که شامل عوامل ساختاری «شرایط اقلیمی و کویری یزد، موقعیت سوق‌الجیشی یزد، موقعیت راهبردی مواصلاتی یزد، قدمت شهر یزد» و عوامل انسانی «سلسله حاکمان محلی فرهنگ دوست و مورد اعتماد قدرت مرکزی، نگاه اقتصادی و حمایتی حکومت‌های مرکزی ایران به یزد، حضور مؤثر و مستمر سادات و علمای دینی در یزد، حضور مؤثر اقلیت‌های دینی در یزد» می‌شود که منجر به شکل‌گیری مقوله محوری «سازگاری فعالانه یزدی‌ها» به عنوان خصلت اصلی در اخلاق اقتصادی یزدی‌ها شده‌اند.

علی‌نژاد، مبارکی و ملایی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «رفتار مصرفی باورمند: کاوشی زمینه‌مند در الگوی رفتار مصرفی زنان در مزون‌های شهر یزد» نشان می‌دهند سبک زندگی در تعیین الگوی رفتار مصرفی مؤثر بوده است و می‌تواند از باورها و نظام اعتقادات نشئت گرفته شده باشد. روش پژوهش کیفی است و با استفاده از روش تحلیل تماتیک با نمونه‌گیری هدفمند تعداد سی نفر از زنان شهر یزد انجام شده است. نتایج نشان داد که بخشی از رفتارهای مصرفی زنان در مزون برساختی از ارزش‌های سنتی و فرهنگی آنها بوده و در قالب مفهوم رفتار مصرفی باورمند تبیین شده است. ابعاد رفتار مصرفی باورمند شامل رفتار مصرفی مقتصدانه، مصرف باورمند و خودآثباتی است.

نوابخش و همکاران (۱۳۹۹) در تحقیقی با عنوان «شناسایی مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی-ایرانی در میان دانشجویان» به بررسی ابعاد سبک زندگی در میان دانشجویان پرداخته‌اند. پژوهش حاضر با هدف شناسایی مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی-ایرانی در میان دانشجویان، در میان دو گروه از نمونه چهارصد نفره از دانشجویان استان تهران و نخبگان حوزه‌های گوناگون، از جمله دینی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، ادبی و... انجام پذیرفته است. نتایج حاصل نشان داد که یازده مؤلفه به نام‌های شاخص‌های اخلاق، خانواده، پایگاه اجتماعی، باور، عبادی، مالی، اوقات فراغت، سلامت، تفکر و تعقل،



امنیتی دفاعی و مناسبت مذهبی وجود دارد که در سبک زندگی اسلامی ایرانی روزمره دانشجویان به کار می‌رود.

- نظری مقدم جواد، محمدحسین نوروزی (۱۳۹۸) در پژوهش «هویت جمع‌گرایانه و روحیه مشارکتی ایرانیان در نگاه سفرنامه نویسان»، ضمن نقد دیدگاه خودمداری، تک‌روی و اقتدارگرایی در رویکرد استشرافی در تبیین و توصیف هویت ملی ایرانی، معتقدند که تأکید بر عامل استبدادزدگی نباید باعث غفلت از توجه به ابعاد روحیه جمع‌گرایانه، مشارکتی و همیاری به‌عنوان ارکان و فضایل زیست‌مدنی ایرانیان شود. این بررسی نشان می‌دهد که ایرانیان در سطح وسیعی از ویژگی‌هایی همچون هم‌گرایی، رفتارهای جمعی و عام‌المنفعه برخوردارند که به پویایی تاریخی ایرانیان انجامیده است.

پیشینه خارجی

- الگیموی و همکاران (۲۰۲۳)، در تحقیقی با عنوان «بررسی تطبیقی سبک زندگی سالم سالمندان ایرانی و عراقی و عوامل پیش‌بینی‌کننده آن» به مطالعه سبک زندگی متأثر از تفاوت‌های جوامع و تغییرات فرهنگ، شرایط اجتماعی و محیطی سالمندان در ایران و عراق پرداخته‌اند. این تحقیق به شیوه توصیفی تحلیلی روی هشت صد سالمند بالای شصت سال مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر نجف عراق و شهر مشهد انجام شد. واحدهای پژوهش به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. یافته‌ها نشان داد که حدود ۷۵ درصد از سالمندان ایرانی و ۵۹ درصد از سالمندان عراقی سبک زندگی متوسطی داشتند. میانگین نمرات کل سبک زندگی در ایران و عراق، به ترتیب، ۱۴/۹۷ و ۱۳/۴۶ بود و آزمون t مستقل تفاوت معناداری را نشان داد. آزمون رگرسیون خطی چندگانه نشان داد که متغیرهای سن، خودارزیابی سلامت، سوء‌مصرف مواد، درآمد و رضایت شغلی و وضعیت تأهل و همراهان با سبک زندگی سالم در سالمندان ایرانی رابطه معناداری دارند، درحالی‌که در سالمندان عراقی متغیرهای سن، جنس، خودارزیابی سلامت، مصرف سیگار، درآمد و رضایت شغلی و همراهان با سبک زندگی سالم رابطه معناداری داشتند. عوامل



سبک زندگی تطبیق پذیر و تجدیدپذیر: کاوشی بر بسترهای ...

پیش بینی کننده ۲۵ درصد نمرات سبک زندگی سالم در ایران و ۳۷ درصد در عراق را پیش بینی کردند.

بوزلار و ارسلانگول (۲۰۱۶) در تحقیقی با عنوان «رفتارهای سبک زندگی سالم دانشجویان دانشگاه دانشکده تربیت بدنی و ورزش از نظر بدنی شاخص جرم و سایر متغیرها»، به مطالعه تعیین وضعیت سلامت ۱۶۹۱ نفر از دانشجویان ترکیه در چهارده دانشگاه مختلف در ارتباط با شاخص توده بدن (BMI) پرداختند. این یافته‌ها نشان داد بالاترین میانگین نمره مقیاس خودشکوفایی است. نتایج همچنین نشان داد که دانشجویانی که شاخص توده بدن کمتری داشتند، در مقیاس خودشکوفایی نمره بالاتری گرفتند.

ونتگوت و مریک (۲۰۰۳) در تحقیقی با عنوان «سبک زندگی، کیفیت زندگی و سلامت» به بررسی ارتباط بین سبک زندگی، کیفیت زندگی و وضعیت سلامت از طریق پیمایش مبتنی بر پرسش نامه در دانمارک شدند. متغیرهای مورد بررسی در این مطالعه عبارت اند از: مصرف الکل، مصرف دخانیات، نوع رژیم غذایی، میزان ورزش انجام شده، کیفیت زندگی، وضعیت سلامت خودارزیابی شده و تعداد شکایت‌های پزشکی که پاسخ دهنده از آن رنج می برد. نتایج نشان داد که سلامت با کیفیت زندگی در مقایسه با سبک زندگی همبستگی قوی تری دارد و به جای رویکردی که صرفاً بر عواملی تمرکز می کند که به طور سنتی منعکس کننده سبک زندگی ناسالم هستند، بیماری‌های قابل پیشگیری را می توان به طور مؤثرتری از طریق تلاش متمرکز برای بهبود کیفیت زندگی مدیریت کرد.

جهت گیری پژوهش‌های پیشین به سمت مطالعه کمی سبک زندگی در یزد با توجه به سبک زندگی و سلامت بوده و فهم دقیقی از سبک زندگی یزدی در بستر تاریخی به عمل نیاورده‌اند. در این تحقیق سبک زندگی یزدی‌ها در بستر فرهنگی و تاریخی آن مورد مطالعه قرار گرفته است.

چهارچوب مفهومی

هرچند رویکردهای دینی و روان شناختی در ارتباط با سبک زندگی، از رویکردهای مهم هستند، اما در این پژوهش بیشتر به رویکردهای نظری جامعه شناختی پرداخته شده است.



رویکردهای جامعه‌شناختی سبک زندگی با فرایندهای بسترهای شکل‌گیری سبک زندگی مرتبط و در درون طیفی از رویکرد اثباتی و عقلانی تا پست‌مدرن در نوسان بوده است. در رویکردهای اولیه جامعه‌شناسی مفهوم سبک زندگی جایگاهی نداشته و اغلب آن را به‌طور غیرمستقیم، در اخلاق اثباتی دورکیم، طبقه مارکس، منزلت اجتماعی وبر و تراژدی فرهنگی زیمل می‌توان جستجو کرد. رویکردهای مدرن سبک زندگی با تفکیک بین تولید و مصرف و جایگزینی ارزش ترجیحات مصرف بر تولید استوار است. در دوره کلاسیک مفهوم سبک زندگی جایگاهی در میان نظریه پردازان جامعه‌شناختی نداشته و یا تنها تابعی از رفتارهای تولیدی و اجتماعی بوده است، اما در دوره مدرن و به‌ویژه پست‌مدرن، مفهوم سبک زندگی برجسته و با مفاهیمی چون مد، مصرف، فضا، بازنمایی، فضای مجازی مرتبط شده است.

جدول ۱- سبک زندگی و جامعه‌شناسی

ویژگی‌های سبک زندگی	رویکردها	رویکردهای جامعه‌شناختی سبک زندگی
تولیدمحور، منزلت‌محور و تابع اخلاق اثباتی و تراژیک	کلاسیک	
فردمحور، مصرف‌محور، مصرف متظاهرانه، چشم هم‌چشمی، تمایزبخش و تابع سیاست زندگی و بدن	مدرن	

رویکردهای کلاسیک جامعه‌شناسی

در این بخش از نوشتار به اجمال دیدگاه‌های دورکیم، مارکس، وبر و زیمل به‌عنوان پیشگامان کلاسیک جامعه‌شناسی درباره سبک زندگی پرداخته شده است. دورکیم به‌عنوان یکی از پیشگامان و بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی در مطالعات خود به دنبال تفوق و برتری بخشی به امر اجتماعی در برابر امر فردی بوده و تلاش کرده تا در مطالعات خود جامعه را به شیوه علمی و اثباتی همچون شیء بیرونی و عینی که معرف واقعیت اجتماعی است، بررسی کند (ریتزر، ۱۳۹۶: ۸۵). دورکیم در مطالعات خود، به‌طور مستقیم به سبک زندگی نپرداخته است. درکل در دوره کلاسیک جامعه‌شناسی توجه به موضوع «سبک زندگی» موضوعیت چندانی نداشته است، اما از فحوای نظریات دورکیم می‌توان به تأثیرات غیرمستقیم دیدگاه او به موضوع سبک زندگی پی برد. از نظر دورکیم شیوه مواجهه اجتماعی افراد در حرکت از جامعه سنتی به مدرن تغییر کرده و اغلب با تعارضها و دوگانگی‌های



سبک زندگی تطبیق‌پذیر و تجدیدپذیر: کاوشی بر بسترهای ...

اخلاقی آنومیک مواجهه می‌شود که در ظهور سبک زندگی مدرن تأثیرگذار است؛ بر این اساس رویکرد دورکیم درباره سبک زندگی را می‌توان تابع یک رویکرد اثباتی آسیبی جمع‌بندی کرد. حرکت از اخلاق ناشی از وجدان جمعی به اخلاق اثباتی را می‌توان مبنایی برای طرح سنجش سبک زندگی در اندیشه دورکیم در نظر گرفت. برای دورکیم، گذر از دنیای مکانیکی به ارگانیک با گسست از اخلاق سنتی و چالش‌های دستیابی به اخلاق نوین همراه است و در خلأ دستیابی به اخلاق اثباتی وضعیتی آنومیک شکل می‌گیرد. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که سبک زندگی در اندیشه دورکیم می‌تواند نمود «اخلاق نوین اثباتی با یک وضعیت آنومیک» باشد.

برخلاف دورکیم، دیدگاه کارل مارکس در ارتباط با سبک زندگی با مفاهیم اقتصاد و طبقه اقتصادی گره خورده است؛ بنابراین سبک زندگی با جایگاه افراد در مناسبات تولیدی و همچنین تضاد طبقاتی در نظام سرمایه‌داری مرتبط است. سبک زندگی طبقه کارگر در چهارچوب طبقه اقتصادی خود و سبک زندگی طبقه حاکم و بورژوازی با جایگاه طبقاتی او در همان طبقه اقتصادی قابل تبیین هست. به نظر می‌رسد سبک زندگی برای مارکس یک «پدیده ثانویه» است، چون طرح و پذیرش ضمنی آن به معنای پذیرش نظام سرمایه‌داری و مناسبات تولیدی و اجتماعی آن است، درحالی‌که مارکس با طرح تضاد ذاتی نظام سرمایه‌داری سعی در افشای ماهیت مناسبات تولیدی نابرابر در نظام سرمایه‌داری دارد؛ بر این اساس سبک زندگی یا قابل طرح نیست یا نمودی از نابرابری و بهره‌کشی و سلطه است. سرمایه‌داری، از نظر مارکس، بسی فراتر از نظام اقتصادی بوده و نظام سیاسی، با یک شیوه خاص از اعمال قدرت و فرایندی از بهره‌کشی است. نظامی که توانسته یک هویت حاکم در جامعه مدرن ایجاد کند که سبک و شیوه خاصی از زیستن را برای طبقه حاکم و کارگر به ارمغان می‌آورد. این دوگانگی زیستی در جامعه سرمایه‌داری معرف سبک زندگی آنها در طبقه اقتصادی و اجتماعی است.

ماکس وبر، برخلاف کارل مارکس، بر پیچیدگی اقتصادی و اجتماعی در نظام سرمایه‌داری آگاه بود و سعی داشت ضمن پرداختن به مفهوم طبقه اقتصادی، به مفاهیم منزلت و حزب نیز بپردازد. برای وبر ثروت، اعتبار اجتماعی و قدرت، ابعاد تشکیل دهنده



طبقه اقتصادی، منزلت و حزب را تشکیل می دهند که به ظهور سبک های مختلف زندگی می انجامد. او با تأکید بر عقلانیت صوری، سعی در تبیین دیوان سالاری مدرن و تجلیات عقلانیت ابزاری در این دیوان سالاری دارد و بر تأثیرات دوگانه نظام دیوان سالاری به عنوان مظهر عقلانیت مدرن و کارآمد و وجه محدودکننده قفس آهنین تأکید می کند. عقلانیت، فردگرایی، کارایی و نبود امکان برون رفت از سلطه قفس آهنین دیوان سالاری و بر را به سمتی سوق داد که در آن سبک زندگی نمودی از عقلانیت ابزاری و همچنین منزلت اجتماعی و فرهنگی قلمداد شود.

دیدگاه وبر درباره سبک زندگی با مفهوم منزلت گره خورده است. او همچنین مفهوم سبک زندگی را برای نشان دادن سلسله مراتب و قشربندی اجتماعی به کار برده است (فاضلی، ۱۳۹۸: ۱۰). به زعم وبر نفع اقتصادی تعیین کننده طبقه اجتماعی است، اما جامعه صرفاً بر اساس توزیع منافع اقتصادی قشربندی نمی شود. افتخار و منزلت عامل دیگر قشربندی اجتماعی است. وبر نه تنها به منزلت اجتماعی تأکید دارد، بلکه معتقد به نظم منزلت ها و جامعه منزلتی است که در آن انواع منزلت ها در پیوند با قدرت و ثروت می تواند به ظهور سبک های زندگی مدرن بینجامد. به نظر می رسد رویکرد وبر از سبک زندگی، بیش از آنکه بر رهیافت مارکسی و تولید متکی باشد، بر رهیافت فرهنگی و مصرفی استوار است.

وبر همچنین به موقعیت منزلتی و رابطه آن با مزیت های اقتصادی و موقعیت های اقتصادی افراد هم توجه داشته است که به تبدیل و تغییرات در موقعیت اجتماعی افراد بر حسب منزلت و موقعیت اقتصادی و سیاسی می انجامد. به نظر می رسد وبر از طریق مفاهیم منزلت، طبقه و حزب در نظام قشربندی اجتماعی به سبک های اجتماعی مختلف مبتنی بر حسب جایگاه افراد دست یافته است (فاضلی، ۱۳۹۸: ۱۵).

زیمل از نظریه پردازان شاخص در جامعه شناسی کلاسیک است که با طرح مفاهیمی چون کلان شهر و حیات ذهنی، فلسفه پول، هندسه اجتماعی و... در تلاش است تا دوگانگی های ذاتی نظام سرمایه داری و مدرنیته را نشان دهد. او به شیوه دیالکتیکی و با طرح مفاهیمی چون غریبه، مد، خسیس، فقیر، فاحشه و... سعی در بازنمایی تضادگونه واقعیت در دنیای مدرن دارد که با دوگانگی مصرف و تلاش برای نمایش مصرف تعیین می شود. زیمل در



سبک زندگی تطبیق‌پذیر و تجدیدپذیر: کاوشی بر بسترهای ...

فلسفه پول معتقد است: پول همچون عینی‌سازی امر ذهنی عمل می‌کند و باعث می‌شود رفتارهای بشری بیشتر جنبه ظاهری به خود بگیرد و از درون تهی شود؛ بنابراین برای زیمل سبک زندگی مدرن نیز به مانند تراژدی فرهنگی با «تهی‌شدگی از درون و آراسته‌شدگی از بیرون» همراه است.

رویکردهای مدرن

اندیشه اجتماعی مدرن با ویژگی‌هایی چون تقسیم‌کار، تخصص‌گرایی، کارایی و محاسبه‌گری شناخته می‌شود. این اندیشه در بستر حیات اجتماعی با فردگرایی، مصرف و تنوع در الگوهای مصرفی باعث ظهور سبک‌های زندگی متفاوت می‌شود. مفهوم سبک زندگی تنها در دوران مدرن ظهور پیدا کرده است؛ هرچند در جوامع سنتی سبک زندگی با نظام باورها و ارزش‌ها مرتبط بوده است، اما در دوران مدرن و با ظهور تفکرات مارکسیستی با اقتصاد و تولید گره خورده است. امروزه سبک زندگی، به طور غالب، با مسئله مصرف و اخلاق رمانتیک برخاسته از مصرف، خود و افراد مهم پیوند خورده است.

وبلن یکی از نظریه‌پردازان مدرن است که در کتاب معروف خود با نام تئوری طبقه مرفه به تحلیل رفتارهای مصرفی و تجمل‌گرایانه طبقه مرفه پرداخته است. او معتقد به نوعی دوگانگی فرهنگی بین ارزش‌های مولد و مصرفی و غلبه ارزش‌های مصرف‌گرایانه و تن‌آسایی سرمایه‌داری سوداگرایانه و مالی در جامعه آمریکاست. وبلن سعی کرده رفتارهای مصرفی طبقه مرفه را به صورت نمودی از مصرف متظاهرانه، مدگرایانه و تجملی نشان دهد. گویی نمودهای اقتصادی آنها با نمودهای فرهنگی و سبک زندگی شان گره خورده و بازگوکننده نوعی سبک زندگی متظاهرانه و تن‌آسا است. وی با تأکید بر مؤلفه‌هایی چون چشم‌هم‌چشمی، تظاهر به تن‌آسایی، مصرف تظاهری، لباس به مانند نمودی از فرهنگ توانگری، حفظ صفت دیرینه، معیارهای مالی ذوق و سلیقه، اجتناب از کار تولیدی، باور به بخت و اقبال، آموزش عالی به عنوان نمودی از فرهنگ پولداری و... به بازنمایی فرهنگ خاص غربی و سبک زندگی متظاهرانه آن پرداخته است (علی‌نژاد، ۱۳۹۷، ۱۱۷).



گیدنز نیز در طرح خود از سبک زندگی به مقوله‌های «سیاست زندگی» و «سیاست بدن» می‌پردازد؛ سیاستی که در آن سبک زندگی در دنیای مدرن با مصرف، بازاندیشی در بدن، حراجی زیبایی، دست‌کاری ژنتیکی، خطر و سیاست زندگی گره خورده است. گیدنز با توجه به پیامدهای مدرنیته متأخر، معتقد است که سبک زندگی در این دوره با آثار و پیامدهای مدرنیته و مخاطرات ناشی از آن مواجه شده است؛ سبکی که در آن انسان‌ها برای تضمین آینده خود به بیمه، سیاست‌گذاری اجتماعی و تأمین رفاه هم توجه دارند.

فضا، گروه‌های مرجع و سبک زندگی

فضا و تحلیل فضایی در حال حاضر به‌طور فزاینده در شکل‌گیری دانش و فهم بشری تأثیرگذار است (ژلنیتس، ۲۰۰۷). در گذشته مناسبات اجتماعی افراد در پیوند با فضاهای اجتماعی به معنایی اجتماعی فضا انجامیده است؛ در واقع ما به جای فضای فیزیکی و فضای اجتماعی می‌توانیم از بازنمایی فضایی سخن بگوییم. فضاهای فیزیکی که شاخصه اصلی درک ما از فضا است در پیوند با سایر فضاها، محدودیت‌ها و امکانات و نوع فعالیت در فضا تصویر متفاوتی از فضا را ارائه می‌کند که مهم هست. فضا در اصل تصویری از جامعه زمان خود را بازگو می‌کند؛ اینکه مردم یزد در گذشته چگونه زندگی می‌کردند و این سبک زندگی چگونه در فضا مشخص می‌شده است، دلالت بر اهمیت فضا دارد.

سبک زندگی در خلأ شکل نمی‌گیرد، بلکه بسترمند بوده و از عوامل ساختاری و غیر ساختاری همچون فضا، به‌طور عام، و جغرافیا و قلمروی سرزمینی، به‌طور خاص، تأثیر می‌پذیرد؛ در واقع سبک زندگی بیش از آنکه مفهومی مستقل باشد، مؤلفه‌ای برآمده از انواع مقوله‌های هویت بخش دینی، مذهبی، سنتی، فضای کسب‌وکار، مناسبات همسایگی، محیط زنانه مردانه است؛ بر این اساس سبک زندگی از بسترهای مختلفی تأثیر می‌پذیرد، البته بسترها ممکن است مکان محور یا متغیر محور باشد؛ به عبارت دیگر بسترها می‌توانند هم بر وجود یک مکان خاص و قلمروی جغرافیایی مشخص هم بر ارزش‌های متغیر دیگر مثل ملیت، قومیت، زبان، دین، نژاد و... دلالت داشته باشند.



سبک زندگی تطبیق‌پذیر و تجدیدپذیر: کاوشی بر بسترهای ...

مقولهٔ فضا در این بخش تنها محدود به بُعد مکانی و جغرافیایی نبوده، بلکه با تأثیرات و فضای فکری آنها نیز مرتبط است؛ به عبارت دیگر یک فضا هم می‌تواند هویت‌ساز باشد و هم تأثیرگذار؛ تأثیراتی که لزوماً ناشی از جنبه‌های ظاهری و فیزیکی فضای مرتبط نیست؛ به عنوان مثال زندگی در فضای شهری هویت خاص و سبک زندگی خاصی را رقم می‌زند که با شرایط و امکانات و الزامات شهری مرتبط است، اما در عین حال خلق و خوی و اخلاق خاصی را هم در انسان‌ها به وجود می‌آورد که متفاوت از شرایط محیطی آن است. در کل بسترهای هویتی و فضایی در شکل‌گیری سبک زندگی خاص در افراد تأثیرگذار هستند و می‌توانند منشأ تأثیراتی شوند که خاصیت مشهود، آشکار و عینی ندارند، بلکه پنهان، ناخواسته و انباشتی هستند. همچنین می‌توانند مثبت یا منفی باشند.

از سوی دیگر سبک زندگی با گروه‌های مرجع اجتماعی، اعم از علما، معتمدین، بازاریان و... هم مرتبط است. این گروه‌های مرجع نه تنها در جهت‌دهی به رفتارهای و کنش‌های جمعی افراد جامعه نقش داشتند، بلکه در پیوند با مناسبات محلی چون جشن‌ها، اعیاد، مراسم‌های مذهبی نقش پررنگی پیدا می‌کردند؛ بر این اساس سبک زندگی در میان گروه‌های مرجع اجتماعی بسته به شرایط اجتماعی و بسترهای زیست هر گروهی متفاوت درک و فهم می‌شود. در گذشته به دلیل انسجام اجتماعی بالا و غلبهٔ ارزش‌های جمع‌گرایانه گروه‌های مرجع محوریت بسیاری داشتند و مبنای عمل اجتماعی محسوب می‌شدند، اما امروزه به جای سبک زندگی می‌توان از سبک‌های زندگی در گروه‌های اجتماعی متکثر سخن گفت؛ به طوری که زنان، جوانان، نوجوانان، سالمندان و حتی معلولان و سایر گروه‌ها، هر کدام، به دنبال تعریف سبک خاص از زندگی خود هستند و این مسئله در شرایط کنونی بیش از هر زمانی دیده می‌شود (ژلنیتس، ۱۳۹۶).

روش پژوهش

روش‌شناسی شیوهٔ تفکر در مورد یک واقعیت و پدیدهٔ اجتماعی است؛ بنابراین روش‌شناسی یک چهارچوب عام است که نقطهٔ تلاقی معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی در مورد یک حوزه از مطالعه را فراهم می‌آورد؛ در واقع روش‌شناسی می‌تواند طیفی از روش‌ها را



فصلنامه فرهنگ یزد

برای بررسی بخشی از واقعیت‌ها به کار بگیری (محمدپور، ۱۳۹۰: ۸۱). در این پژوهش راهبرد استقرایی بوده است.

روش مورد استفاده در این پژوهش روش مردم‌نگارانه، از جمله مردم‌نگاری متعارف بوده است که بر اساس رویکرد اتیک به توصیف از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان اقدام خواهد شد. در رویکرد اتیک، ما به مطالعه مردم‌شناختی یک اثر یا یک موضوع می‌پردازیم؛ در واقع نگاه به موضوع پژوهش، نگاهی از بیرون است و پژوهشگر تلاش می‌کند که نه احساسات خود را نسبت به موضوع پژوهش دخالت دهد و نه زبان توصیف و تحلیل خود را مطابق زبان موضوع پژوهش ارائه دهد.

جامعه هدف این پژوهش یزدشناسان و مطلعین کلیدی یزدی بوده که شناخت نسبتاً خوبی از یزد و گذشته یزدی‌ها داشته و توانسته‌اند در تحقق اعتبار علمی نوشتار کمک کنند.

همچنین برای اعتبارپذیری، انتقال‌پذیری و تأییدپذیری برای حصول از تأیید داده‌ها استفاده و سعی شد پرسش‌ها معتبر و کارشناسی شده و به شیوه ملموس و قابل فهم برای مصاحبه‌شوندگان؛ آن‌هم در مدت زمان مشخص با هماهنگی و تأیید قبلی انجام شود. حجم نمونه در این پژوهش پانزده نفر به شیوه نمونه‌گیری در دسترس و گلوله برفی از یزدشناسان بوده است که با شناسایی و مصاحبه با یکی از یزدشناسان و پرسش از نفر اول برای پیشنهاد و معرفی فرد بعدی، روند مصاحبه ادامه یافت و در نهایت به‌طور هم‌زمان از هر دو شیوه نمونه‌گیری استفاده شد. تکنیک جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه و ابزار تحلیل داده‌ها توصیف است.

جدول ۲- ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان

ردیف	فهرست مصاحبه‌شوندگان	شغل	ردیف	فهرست مصاحبه‌شوندگان	شغل
۱	شماره ۱	یزدشناس	۹	شماره ۹	یزدشناس
۲	شماره ۲	یزدشناس	۱۰	شماره ۱۰	کارشناس
۳	شماره ۳	کارشناس اداره	۱۱	شماره ۱۱	کارآفرین



سبک زندگی تطبیق پذیر و تجدیدپذیر: کاوشی بر بسترهای ...

			کل فرهنگ و ارشاد		
یزدشناس	شماره ۱۲	۱۲	یزدشناس	شماره ۴	۴
یزدشناس	شماره ۱۳	۱۳	کارآفرین	شماره ۵	۵
یزدشناس	شماره ۱۴	۱۴	استاد دانشگاه	شماره ۶	۶
یزدشناس	شماره ۱۵	۱۵	کارشناس اداره کل فرهنگ و ارشاد	شماره ۷	۷
			استاد دانشگاه	شماره ۸	۸

یافته‌ها

بخش یافته‌های این پژوهش به توصیف مصاحبه‌های انجام شده پرداخته است که در آن هم بسترها و هم نقش فضا و گروه‌های مرجع به صورت توصیف دقیق و عمیق بیان شده است؛ بر این اساس در ادامه سعی شده است انواع روایت‌های انجام شده از یزد قدیم، فضاها، گروه‌های مرجع و بسترهای ساختاری کنشی تأثیرگذار در سبک زندگی قدیم یزدی‌ها تحلیل شود.

جدول ۳- روایت‌های پاسخ‌گویان از سبک زندگی یزد و یزدی‌ها

مضامین اصلی	مضامین فرعی
روایت آرمانی و تعصبی	یزد به عنوان یک برند
	یزد به عنوان یک ژاپن ایرانی با اعتبار جهانی
	ارتجاع و میل به بازگشت به گذشته
	اکراه از زیستن در دنیای امروزه
روایت علمی واقعی و نظام‌مند	محصور در کویر گرم و خشک با محدودیت منابع
	امنیت محوری در یزد
	دین محوری یزدی‌ها
	سنت محوری یزدی‌ها
	محله محوری با زیست فقیرانه



	فرهنگ خیریه و وقف در یزد
	روحیه هم‌زیستی یزدی‌ها
	تجارت محوری یزدی‌ها

یکی از مباحث حائز اهمیت در مصاحبه‌های انجام شده در خصوص سبک زندگی یزدی‌ها تنوع روایت‌های انجام شده از یزد و یزدی‌هاست که می‌تواند ناشی از تنوع دیدگاه‌ها یا ظرفیت‌های بالای فرهنگی در یزد و سبک زندگی یزدی‌ها باشد. برخی از یزدشناسان قدیم سعی در ارائه تصویر ایدئال و آرمانی از سبک زندگی در گذشته داشتند و ادعا می‌کردند که بیشتر تغییرات سبکی ریشه در مشکلات جدید دارد، حتی در میان مصاحبه‌شوندگان یک نوع حس بی‌اعتمادی، بدبینی و ذهنیت منفی نسبت به سبک زندگی جدید وجود داشته است، درحالی‌که این گروه گذشته را با عبارت‌هایی چون «یادش به خیر!»، «چه روزگاری خوبی بود!»، و «کجا رفتند آن انسان‌های خوش‌برخورد و کوچه‌های آشتی‌کنان، همسایه‌های مهربان و انسان‌های پاک و بی‌ادعا؟!»، بسیار آرمانی و مطلوب توصیف می‌کردند، در مقابل برخی از مصاحبه‌شوندگان که از نزدیک درگیر تجربه زیست سبک زندگی مدرن بودند با یک واقع‌بینی و بر اساس شواهد و مستندات سعی در بیان تصویر درستی از سبک زندگی یزدی‌ها داشتند که در ادامه به دو مورد از این روایت‌ها اشاره می‌شود.

روایت آرمانی و تعصبی

این نوع روایت بیشتر در میان مصاحبه‌شوندگان با ویژگی‌های سنی بالا و قدیمی وجود داشت؛ به طوری که گذشته برای آنها صرفاً جذاب و رؤیایی و سبک زندگی امروزی سخت و گاه غیرقابل تحمل می‌نمود. روایت این گروه با «ای کاش» و «افسوس» همراه بود و گاه با حس غرور سعی داشتند نگاهی آرمانی از گذشته یزد و یزدی‌ها ارائه دهند. برخی از این روایت‌ها در قالب مقوله‌های زیر بیان شده‌اند.

یزد به عنوان یک برند

یکی از یزدشناسان معتقد است: هر شهری برای خود هویت دارد و با چیزی شناخته می‌شود، اما من خود یزد را یک برند می‌شناسم که با خودش شناخته می‌شود.



یزد به عنوان یک ژاپن ایرانی با اعتبار جهانی

یکی از کارشناسان معتقد بود که مدیریت در یزد خیلی به مدیریت ژاپنی‌ها شبیه است. او در ادامه می‌گوید: الگوی مدیریت یزدی خیلی به ژاپنی‌ها نزدیک است؛ الگویی که با سخت‌کوشی، قناعت و مصرف کم همراه بوده است.

ارتجاع و میل به بازگشت به گذشته

یکی از پاسخ‌گویان ضمن اعتراض به شرایط موجود معتقد است: آگه ممکن بود و می‌تونستم، دوست داشتم به گذشته برگردم.

اکراه از زیستن در دنیای امروزه

یکی از افراد می‌گوید: آن‌قدر امروزه در فضای خانوادگی و اجتماعی مشکلات وجود دارد که با بی‌میلی و اکراه در این جامعه زندگی و فشارهای زیادی را تحمل می‌کنیم.

روایت علمی واقعی و نظام‌مند

در مقابل روایت نخست که آرمانی بود، روایت دوم روایتی واقع‌بینانه و برخاسته از نظرات کارشناسی و علمی بوده است که هم به محدودیت‌ها و مشکلات ساختاری همچون محصور بودن در کویر، محدودیت منابع، محدودیت در دسترسی و ارتباطات کم، الزام و اجبار به زیستن اشاره کردند و هم به ظرفیت‌های بالای فرهنگی و اجتماعی یزد در تطبیق خود با شرایط و غلبه بر آنها. برخی از این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

محصور در کویر گرم و خشک با محدودیت منابع

یکی از یزدشناسان بر این باور است: یزدی به وسعت سیصد کیلومتر در کویر محصور بوده و چون یزد محیطی خشک با محدودیت منابع شناخته می‌شده است، نوعی هم‌زیستی و تطبیق با شرایط را داشته است.

امنیت محوری در یزد

یکی از کارشناسان معتقد است: در گذشته گذر از کویر و رسیدن به مرکز یزد سخت و این حصار کویری برای آنها امنیت‌ساز بوده است.



دین محوری و سنت محوری یزدی‌ها

پاسخ‌گوی شماره ۱ معتقد است: مردم یزد مردمی دین‌دار و مذهبی بوده‌اند که به امامان، به ویژه امام حسین (ع) ارادت و در عزاداری سبکی خاص داشتند؛ به طوری که هر محله، حتی افراد ساکن در محله، چه فقیر و چه غنی، برنامه‌های مشخص عزا و مداحی داشتند.

محله محوری بازیت فقیرانه

پاپلی یزدی در اثر چند جلدی خود، *شازده حمام*، می‌نویسد: «هرچند جغرافیایی محلات یزدی مظهر فقر و زیست فقیرانه بوده، اما همه باهم در ارتباط بودند و هوای همدیگر را داشتند» (پاپلی یزدی، ۱۳۹۵).

فرهنگ خیریه و وقف در یزد

پاسخ‌گوی شماره ۶ بر این باور بود: یزدی‌ها به دلیل اعتقادات دینی خود و تأثیرپذیری از اقلیت‌های دینی به وقف و کارهای عام‌المنفعه بیشتر بها می‌دادند و تعداد وقفیات در یزد بسیار بالاست.

روحیه همزیستی و تجارت محوری یزدی‌ها

پاسخ‌گوی شماره ۳ معتقد است: یکی از ویژگی‌های یزدی‌ها فرهنگ همزیستی مسالمت‌آمیز بوده که شاید ریشه در روحیه تجاری و اقتصادی آنها داشته و ضرورت حذف منابع از یک طرف و روحیه سازگاری و عدم درگیری از طرف دیگر فرهنگ یزدی یک فرهنگ روادارانه ایجاد کرده است.

فضاهای هارمونیک در گذشته

جدول ۴ - فضاها و گروه‌های مرجع یزد و یزدی‌ها در گذشته

مضامین اصلی	مضامین فرعی
فضاهای هارمونیک	فضاهای دینی چون مسجد و حسینیه
	فضاهای زیستی چون محلات مسکونی و محیط همسایگی



سبک زندگی تطبیق‌پذیر و تجدیدپذیر: کاوشی بر بسترهای ...

	فضاهای اقتصادی چون بازار و محیط‌های کسب‌وکار
	فضای هویتی چون خانوادگی، خویشاوندی و سبب و نسب
گروه‌های مرجع تأثیرگذار	روحانیت و سادات
	معمدین محلی و بازاری
	خوانین و حاکمان محلی خوش‌نام
	والدین، خانواده و خویشاوندان

فضا همیشه نقش محوری در سبک زندگی مردم داشته و در گذشته یزدی‌ها این فضاها با بسترها، فرهنگ و ارزش‌های غالب جامعه هماهنگ بوده و هماهنگی هارمونیک با سایر فضاها داشته است؛ در واقع فضا عنصر تعیین‌کننده و تأثیرگذار در سبک زندگی یزدی‌ها بوده است. این فضا بیش از هر زمانی در پیوند به نظام باورها و اعتقادات دینی، سنتی و زیستی بوده است؛ گویی مرزهای بین اعتقادات و زندگی با مقوله فضا در هم تنیده شده و قابل تفکیک از هم نیستند. تعدادی از این فضاها که در اغلب مصاحبه‌ها مدام از آنها و تأثیرات آن سخن به میان آمده عبارت‌اند از:

- فضاهای دینی چون مسجد و حسینیه
- فضاهای زیستی چون محلات مسکونی و محیط همسایگی
- فضاهای اقتصادی چون بازار و محیط‌های کسب‌وکار
- فضای هویتی چون خانوادگی، خویشاوندی و سبب و نسب

گروه‌های مرجع تأثیرگذار

از دیگر مقوله‌هایی که مدام در مصاحبه‌ها ذکر شده و با فضای اجتماعی قدیم یزدی‌ها مرتبط بوده است، گروه‌های مرجع تأثیرگذار بوده‌اند که راهنمایی فکری و رفتاری یزدی‌ها را تشکیل می‌داده و حرمت و ارزش بسیار بالایی داشته است. این گروه‌های مرجع در شکل‌دهی به هویت سبک یزدی‌ها نقش بارزی داشتند که عبارت‌اند از:

- روحانیت و سادات



- معتمدین محلی و بازاری
- خوانین و حاکمان محلی خوش نام
- والدین، خانواده و خویشاوندان

دوگانه ساختاری اقلیم کویری

ساختار کویری یزد از بارزترین ویژگی‌هایی است که همچون حصار طبیعی عمل می‌کند و یزد را در برابر انواع ناملاطمت‌ها و ناامنی‌ها مصون نگه می‌دارد. این ویژگی و ساختار هم محدودکننده است هم فرصت‌ساز. ویژگی‌های سخت و خشن، کویر را با کم‌آبی و طبیعت خشک ترکیب می‌کند و شاخصه‌هایی چون پردکنندگی، محصورکنندگی و امنیت‌آور را ایجاد می‌کند.

یکی از کارشناسان بر این عقیده است: کویر دیوار و حصار بزرگی را برای یزد ایجاد کرده و باعث شده تا یزد به محیطی غیرجذاب تبدیل شود؛ هرچند علی‌رغم شرایط جغرافیایی، آن‌طور که در متون قدیمی آمده است، یزد قدیم از نظر تجارت پررونق بوده است. همین خصیصه باعث ایجاد امنیت بوده است.

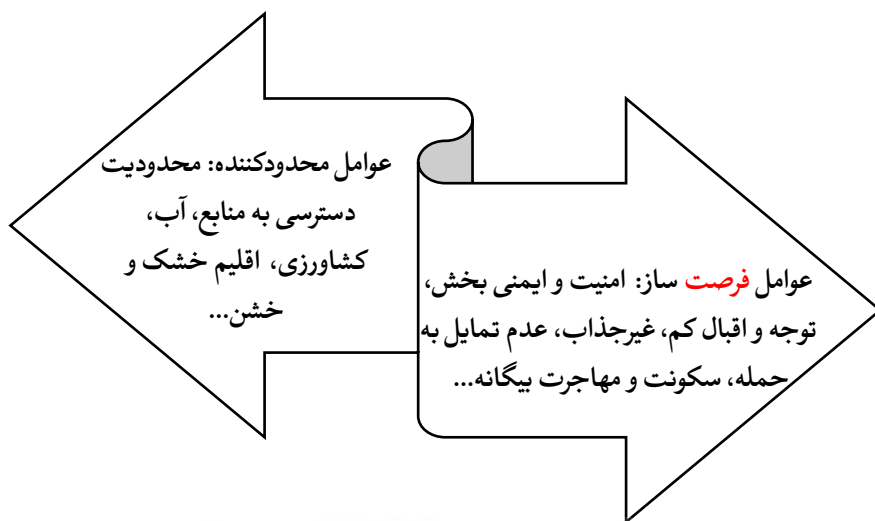
یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان معتقد است: وقتی کمبود منابع وجود داشت، مردم ناچار به صرفه‌جویی شدند. آب و هوا، روی رفتار و اخلاق و معیشت مردم، تأثیر مستقیم گذاشت. همچنین یکی دیگر از کارشناسان به نبود انگیزه برای حمله به یزد در طول تاریخ به دلیل ماهیت کویری آن اشاره کرد: به دلیل شرایط کویری دشمن خارجی انگیزه‌ای برای حمله به یزد نداشت.

این ویژگی در بستر تاریخی و برای غیر یزدی‌ها دافعه‌ای ایجاد کرد که انگیزه جنگ، لشکرکشی و هجوم را از بین برده و یزد را از ناامنی در امان نگه داشته است.

در کل وجه ساختار کویری یزد دوگانگی نقش «پردکننده و امنیت‌بخشی» یا «محصورکننده غیرجذاب و امنیت‌بخش» است که یزدی‌ها توانسته‌اند از این قابلیت استفاده بهینه کنند.



سبک زندگی تطبیق پذیر و تجدیدپذیر: کاوشی بر بسترهای ...



نمودار ۱- ویژگی‌های دوگانه ساختاری اقلیم کویری

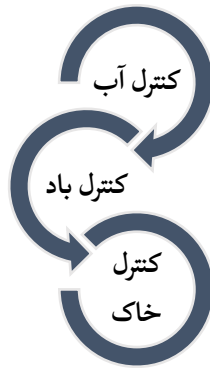
سبک زندگی تطبیق و تجدیدپذیر

سبک زندگی تجدیدپذیر سبکی است که در آن شیوه زندگی مردم یزد بر پایه استفاده از مصالح موجود و بومی بوده است و سعی می‌کردند تا چرخه کاملی از فراوری را ایجاد کنند. در این نوع از سبک زندگی سعی بر این بود که نهایت استفاده اصولی از مصالح و محصولات بومی به عمل آید و چیزی هدر نرود و دورریز نداشته باشد. این سبک در معماری و اقتصاد محسوس بوده و نمادی از روحیه همزیستی و تطابق به طبیعت و اقلیم را داشته است. یکی از پاسخ‌گویان معتقد است: سبک زندگی یزدی‌ها را در قدیم سبک تجدیدپذیر می‌دانم، چون بر پایه استفاده و فراوری کامل و بهینه مصالح موجود است.

سبک تطبیق و تجدیدپذیر ویژگی‌هایی داشته که برخی از این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

- مدیریت پذیری و کنترل پذیری طبیعت خشک و خشن: این مدیریت از طریق احداث بادگیر، آب‌گیر یا همان آب‌انبار انجام می‌شد.
- استفاده از خاک و مصالح بومی برای معماری که به نوعی به کنترل خاک می‌انجامد.





نمودار ۲- چرخه کنترل طبیعت

- استفاده بهینه و بهره‌وری بالا، قناعت داشتن، حساس‌گری و صرفه‌جویی بالا، روحیه پس‌انداز و چرخه فرآوری کامل محصول.
- پذیرش فعالانه نه منفعلانه شرایط از طریق تلاش و کوشش و هم‌زمان با زندگی ساده، معیشت محور، قناعت و تحمل شرایط سخت.
- استفاده از مواد اولیه بومی و غیربومی و تبدیل آن به فرآورده و محصول و تنظیم زیست جمعی بر اساس محدودیت‌ها.

دو عامل مؤثر سبک زندگی تطبیق‌پذیر و تجدیدپذیر

طبیعت سخت و کویری

برخی از کویر یزد به عنوان فرصتی تاریخی و امنیت‌بخش نام می‌برند که همچون حصار سیصد کیلومتری زمینه را برای هرگونه تعدی، تجاوز، توجیه برای حمله در طول تاریخ از بین می‌برده و ناخواسته و پنهان کارکرد خوبی برای سرنوشت یزد و یزدی‌ها داشته است، حتی برخی از پاسخ‌گویان پافراتر گذاشته از «اخلاق آبی» سخن گفته‌اند که در آن، چون دسترسی به آب با محدودیت‌هایی روبه‌رو بوده، به اراده تاریخی برای حفر انواع قنات‌ها، آب‌انبارها و آسیاب‌های آبی منجر شده و زمینه را برای سبک زندگی اصیل یزدی فراهم آورده است.



آموزه‌های دینی مذهبی

نقش مذهب، در بستر تاریخی، در هویت بخشی به جامعه یزد غیرقابل انکار هست. تعدد مساجد و حسینیه‌ها و اماکن مذهبی در شهر یزد، تراکم این اماکن که گاه در یک کوچه، چند مسجد و حسینیه دایر و با تنوع برنامه‌های عبادی و دینی با محوریت روزه خوانی، جریان دینی غالب در شهر یزد بوده و آموزش دینی مدام در اخلاق و سبک زندگی یزد تأثیرگذار بوده و فضایی را ایجاد می‌کرده که این فضا در ترکیب با فضاهاى سنتی، تجاری، اقتصادی و سایر شرایط ساختاری یزد تأثیر ترکیبی خاصی را رقم می‌زده است.

یکی از یزدشناسان معتقد است: برنامه روزه خوانی در یزد به صورت روزانه و هفتگی برگزار می‌شده است. تجار و عامه مردم برنامه‌های روزه خوانی خاص خود را داشته‌اند و معمولاً به لحاظ زمانی روزه خوانی در ماه‌هایی از سال (ماه محرم و صفر) به صورت روزانه در شش وعده از روز در ساعات زمانی مشخص (بعد از نماز صبح، نیم چاشت، ظهر، عصر، مغرب و شب) برگزار می‌شده است. هر خانه‌ای برنامه هفتگی برای روزه خوانی داشته است. روزه خوانی و مجالس روزه هفتگی آداب خاص خود را داشته است. یکی از این آداب لزوم حضور اعضای خانواده در روزه بوده است که در آن همه خانواده بانی روزه در مراسم حضور داشته‌اند و مکان مناسبی را برای روحانی روزه خوان تعبیه می‌شده است. جالب اینکه روایت شده است روزی در مجلس روزه افراد خانواده، اعم از پدر و فرزندان در منزل نبودند و تنها همسر در منزل بود. او از روحانی تقاضا کرد که در خانه خالی روزه بخواند و بعد منزل را ترک کند.

یکی از یزدشناسان معتقد بود: اغلب تجار یزدی برنامه روزه خوانی و با روحانیت محل ارتباط داشتند. همچنین در ارتباط با کسبه باید گفت که آنها قبل از ورود به کسب و کار، علم مکاسب یاد می‌گرفتند و مراکز علمی همیشه در مجاورت بازار بود.

مسئله محوری در نقش دین و مذهب لزوماً تأثیرات مستقیم آن در قالب اعتقادات دینی و اعمال مناسکی متعدد و متنوع نبوده است، بلکه نقش غیرمستقیم آن در قالب تقویت روحیه تساهل و فرهنگ رواداری در ارتباط با اقلیت‌های دینی همچون یهودیان و زرتشتیان و همچنین فرهنگ محافظه‌کاری بازاریان و تجار در راستای حفظ منافع خود از طریق



هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با دیگران بوده است؛ در واقع ترکیب بهینه صورت‌های اعمال دینی با رفتار بازاریان برای حفظ منابع اقتصادی و کسب سود و در فرهنگ عامه برای تأمین امنیت عمومی صورت نابی از تأثیرات غیرمستقیم دینی در فرهنگ یزدی را رقم زده است که به ظهور سبک زندگی خاص یزدی انجامیده است.

تلاش برای ایجاد چرخه فرآوری ضرورت بسیار مهم و حیاتی در فرهنگ یزدی بوده است که غفلت از آن امکان درک بهتر سبک زندگی یزدی را غیرممکن و سخت می‌کند. در فرهنگ قدیم یزد ضرورت سبک زندگی تجدیدپذیر ایجاب می‌کرد که از منابع و مصالح بومی به بهترین شکل استفاده شود و چون مواد اولیه برای فعالیت‌های تولیدی وجود نداشت، مواد اولیه از خارج از استان یا خارج از کشور، وارد استان و پس از فرآوری به خارج صادر می‌شده است.

یکی از یزدشناسان معتقد است: یزدی یک ژاپنی بوده است که منابع اولیه نداشته و مجبور بوده است آن را از خارج بیاورد، در یزد پرورش دهد و به محصول تولیدی تبدیل و بعد صادر کند.

بحث و نتیجه‌گیری

سبک زندگی در هر جامعه نشان‌دهنده کلیت زیست جمعی، باورها، روش‌ها و اعمالی است که سمت و سوی کلی زندگی در جامعه را رقم می‌زند. سبک‌های زندگی از گذشته وجود داشته‌اند و بسته به شرایط ساختاری و بسترهای زمینه‌ساز ظهور و بروز متفاوتی دارند. یزد به دلیل محصور بودن در کویر و موقعیت سوق‌الجیشی و نقش مواصلاتی آن از یک سو و «اراده مشروط به تغییر و تطبیق با شرایط» در مردم یزد از سوی دیگر توانسته است یک سبک زندگی تجدیدپذیر را در خود ایجاد کند. همچنین پیوندی بین فضاها، دینی، مذهبی با مرجعیت دینی ایجاد کرده، از مرجعیت بازار و معتمد محلی برای قوام زندگی اجتماعی خود بهره برده و زمینه‌ساز بروز سبک زندگی جدید شده است. این سبک توانسته با تطبیق‌پذیری در معماری مصالح بومی را در ساخت خانه‌های بومی به خدمت بگیرد و مانع هرگونه دورریز شود و در نهایت توانسته است سبک زندگی خاص خود را در گذشته رقم بزند، اما این رویه در



سبک زندگی تطبیق پذیر و تجدیدپذیر: کاوشی بر بسترهای ...

حال حاضر به دلیل تغییر در فضا، مرجعیت، تغییرات ساختاری و وفور منابع، تغییر یافته و شاهد بروز تغییرات سریع با سبک های زندگی متفاوت هستیم.

مطالعات پیشین با نتایج پژوهش در قالب سبک زندگی تجدیدپذیر یزدی ها هم سو بوده و با مقوله هایی چون «ترکیب عناصر مطلوب و نامطلوب» (حاجی زاده، ۱۳۸۶)، «الگوی مدیریت بومی و کارآفرینانه» (سعیدی، ۱۳۸۸)، «مرد خودساخته» (جوادی یگانه: ۱۳۹۲)، «اصل همزیستی مسالمت آمیز» (جوادیان زاده، ۱۳۹۵)، «رفتار مصرفی باورمند» (علی نژاد، مبارکی و ملایی، ۱۳۹۹)، «سازگاری فعالانه» (مرشدی و علی نژاد، ۱۴۰۰) تأییدکننده برخی ویژگی های سبک فرهنگی و اجتماعی یزدی ها بوده است.

رویکردهای نظری مرتبط با سبک زندگی یزدی ها از رویکردهای اجتماعی نشئت گرفته است؛ به ویژه رویکرد نظری دورکیم در قالب مفهوم «سبک زندگی منتج از وجدان جمعی» و رویکرد نظری وبر در قالب مفهوم «سبک زندگی منتج از منزلت اجتماعی» مرتبط و هم سو بوده است.

در این پژوهش محدودیت های در دسترسی به افراد برای مصاحبه، محدودیت زمانی و محدودیت منابع وجود داشته است.

پیشنهاد می شود به مطالعات کیفی و با رویکرد تفهیمی به تجربه زیسته و تاریخی پرداخته شود تا بخشی از زوایای پنهان زیست یزدی و سبک زندگی یزدی ها مکشوف گردد. همچنین پیشنهاد می شود با عملیاتی سازی، مدل سبک زندگی یزدی ها در گذشته که مبتنی بر تطبیق پذیری و تجدیدپذیری بوده است به الگوی سبک مدیریت امروزی در سازمان ها، اداره ها، بازار، نهادهای دولتی تبدیل شود.



منابع و مأخذ

- حسین پور، رضا، بلالی اسکویی، آزیتا، و کی نژاد، محمد علی (۱۳۹۶). تبیین سبک زندگی اسلامی؛ راهکارهایی در جهت تداوم آن در جامعه ایران، فرهنگ رضوی، ۵ (۱۹): ۳۹-۷.
- افشانی، سید علیرضا، رسولی نژاد، سید پویا، کاویانی، محمد، و سمیعی، حمیدرضا (۱۳۹۳). بررسی رابطه سبک زندگی اسلامی با سلامت اجتماعی مردم شهر یزد. مطالعات اسلام و روان شناسی، ۸ (۱۴): ۸۳-۱۰۳.
- بیتس، دانیل، پلاگ، فرد، (۱۳۹۰)، انسان شناسی فرهنگی (ترجمه محسن ثلاثی)، چاپ دهم، تهران: انتشارات علمی.
- جوادنیا، زینب. بازنمایی هویت های پست مدرن در فضاها ی مسکونی شهر با تأکید بر شهرهای ایران.
- <https://vista.ir/w/a/21/akk2c>
- جین، مارک، (۱۳۹۶)، شهرها و مصرف (ترجمه مرتضی قلیچ)، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- حاجی زاده میمندی، مسعود، و دهقان چناری، مریم (۱۳۹۴). سبک زندگی سلامت محور و رضایتمندی زناشویی بین زنان متأهل شهر یزد. زن در فرهنگ و هنر، ۷ (۱): ۷۶-۶۱.
- حاجی زاده میمندی، مسعود (۱۳۸۶). عملیاتی کردن شاخص های فرهنگ دارالعباده: شناخت شاخص ها و معرف ها، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان یزد، شورای پژوهشی.
- خدادوست، فرشید، عزیزخانی، اقباله، و فتحی، سروش (۱۴۰۱). واکاوی سبک زندگی مصرفی جوانان و بزرگ سالان متأهل در شهرهای اردبیل و پارس آباد برحسب تجربه آنها از ارتباطات رسانه ای از طریق رویکرد داده بنیاد. مطالعات جامعه شناختی شهری، ۴۳: ۱-۲۶.
- ریتزر، جورج، (۱۳۹۶)، نظریه جامعه شناسی (ترجمه هوشنگ نایبی)، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.
- ژلنیتس، آندره، (۲۰۰۷)، فضا و نظریه اجتماعی (ترجمه آیدین ترکمه)، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- قنبری، امید، کورنگ بهشتی، سیامک، و رشیدپور، علی (۱۴۰۱). فهم عوامل زمینه ساز فرهنگی در سبک زندگی ایرانی- اسلامی. علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۹ (۳): ۱۰۲-۷۵.
- مرشدی، ابوالفضل، و علی نژاد، منوچهر، (۱۴۰۰)، سازگاری فعالانه؛ کندوکاوی در اخلاق اقتصادی یزدی ها، یزد: انتشارات دانشگاه یزد.



سبک زندگی تطبیق پذیر و تجدیدپذیر: کاوشی بر بسترهای ...

- مهدوی کنی، محمدسعید (۱۳۸۶). مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی، *تحقیقات فرهنگی*، ۱(۱): ۱۹۹-۲۳۰.
- علی نژاد، منوچهر، مبارکی، محمد، و ملایی، فاطمه (۱۳۹۹). رفتار مصرفی باورمند: کاوشی زمینه مند در الگوی رفتار مصرفی زنان در مزون های شهر یزد، *مطالعات زن و خانواده*، پژوهشکده زنان دانشگاه الزهراء. ۳ (۱۸): ۱۳۴-۱۶۰.
- نصیری زاده، حمیدرضا، و توتونچی، جلیل (۱۳۸۳). بررسی وضعیت فرهنگی شهرستان های استان یزد با استفاده از روش تاکسوومی، *کاوش نامه*، ۷ و ۸: ۱۷۹-۱۹۷.
- نظری مقدم جواد، و نوروزی، محمدحسین (۱۳۹۸). هویت جمع گرایانه و روحیه مشارکتی ایرانیان در نگاه سفرنامه نویسان، *مطالعات ملی*، ۴ (۲۰)، ۱-۲۴.
- نوابخش مهرداد، صالحی امیری، سید رضا، رضایی، علی اکبر، و هاشمی، سید عباس (۱۳۹۹). شناسایی مؤلفه های سبک زندگی اسلامی - ایرانی در میان دانشجویان. *مطالعات میان فرهنگی*، ۱۵ (۴۴): ۱۲۷-۱۵۴.
- Al-Gimavi Sadegh Mohsen , Mahmoud Bakhshi 2, Akram Ghanbari Moghaddam , Vahid Ghavami, Hasanain Al-Khalidi (2023). A Comparative Study of Healthy Lifestyle of Iranian and Iraqi Elderly and Its Predictors. **Salmand: Iranian Journal of Ageing** 2023, 18(1): 118-133
- BOSTRÖM Magnus (2022). **Lifestyle transformation and reduced consumption: a transformative learning process.** SOZIALPOLITIK.CH VOL. 1/2022 – ARTICLE 1.2.: [http://dx. DOI.org/10.18753/2297-8224-186](http://dx.doi.org/10.18753/2297-8224-186)
- Bozlar Volkan, Arslanoğlu Cansel (2016). Healthy Life Style Behaviors of University Students of School of Physical Education and Sports in Terms of Body Mass Index and Other Variables Universal. **Journal of Educational Research** 4(5): 1189-1195. DOI: 10.13189/ujer.2016.040532
- van Eijck, Koen Bargeman, Bertine (2004). The changing impact of social background on lifestyle: “culturalization” instead of individualization? . **Poetics** 32 (2004) 439–461. DOI: 10.1016/j.poetic. 2004.09.001.
- Ventegodt Soren . Joav Merrick (2003). Lifestyle, Quality of Life, and Health. **The Scientific World Journal** 3:811-25. DOI:10.1100/tsw.2003.60.





ژوئیه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



Adaptable and renewable lifestyle: an exploration of socio-cultural contexts, patterns and identifying spaces of the Yazdi lifestyle in the past

Manouchehr Alinejad, Abolfazl Morshedi

Abstract

The lifestyle in any society represents the social and cultural characteristics of that society. This lifestyle, along with cultural components, becomes a durable collective identity in a society. The aim of this research was to explore the socio-cultural contexts, patterns and identity spaces of the Yazidians' lifestyle in the past. The method used in this research was the ethnographic method. The target community of this research was Yazd city and the target sample of the research was 15 people of Yazd historians and cultural experts who were selected by purposeful sampling. The results of the research show that the lifestyle of Yazdians in the past has been influenced by the climatic and desert conditions of Yazd, relative security, limited resources, the spirit of tolerance, the culture of religiosity and mourning, and the hardworking spirit of the people in Yazd. The main category in this research was found to be adaptable and renewable lifestyle, which implies the principle of adaptation and the principle of adaptation based on the will of Yazidians despite all the limitations imposed by environmental conditions. Moreover, the lifestyle of Yazidians in the past was found to have been influenced by clerical reference groups, local and market trustees, and parents, which has been formed in the spaces of religious, economic, and social identity.

Keywords: Renewable lifestyle, platforms, reference groups, social spaces. Yazd

